

## گان = گان

کلمه گان با کان در آخر کلمات فارسی اگر مفرد باشد برای معانی زیر میآید:  
 ۱- علامت نسبت: شایگان - رایگان - خدایگان - گروگان :

یکی پهلوان بود دهگان نژاد دلیر و بزرگ و خردمند و راد  
 ۲- علامت مکان؛ در اسامی شهرها و دهات بمعنی جا و مکان آمده: جوزجان  
 (گوزگان) - جرجان (گورگان) - نوغان - گوگان - سیرجان - گلپایگان :

همی تاز تا آذرآبادگان بجای بزرگان و آزادگان  
 ۳- معدود واقع میشود در آخر اعداد کلمه گمان بمعنی «تا» معدود قرار میگیرد:  
 دهگان - صدگان - یکانه :

ستونی دیگر پنجگان کز ساختند (رجوع شود بصفحه ۸۹ همین شماره، س ۱۸).

\*\*\*

در صورتیکه مرکب باشد مربوط بآخر کلماتیستکه یا ختم به گ یا ک شده اند و  
 یا مختوم به «ه» مختفی هستند و در اینصورت غالباً:

علامت جمع است: کودگان - دیوانگان - پرستوگان :

علامت نسبت است: خفقان (خفگان) - بابکان .

علامت بیان حالت است: آونگان :

لنگ لنگان قدمی بر میداشت هر قدم دانه شگری میکاشت ط